



راستگویی و

صداقت

حجه الاسلام راجی

۹۴/۰۶/۰۱

ایرادی که دانشجویان و طلبه های انقلابی را تهدید می کند

یکی از این ایرادها، اینست که ما به مباحث سیاسی در شکل گیری تمدن نوین اسلامی، نسبت به امور اخلاقی، بیشتر اهمیت می دهیم. یعنی الان اگر بگویند: به نظر شما چه کار کنیم تا انقلاب روی ریل خوبی بیفتد؟ می گوییم: رابطه با آمریکا نداشته باشیم و ... اما به هیچ عنوان نقش خودمان را در این انقلاب اصلاً شرط نمی دانیم. در صورتی که در بیانات مقام معظم رهبری، دقیقاً عکس این جریان است. در صحبت ابتدای امسال ایشان در حرم مطهر رضوی برای شکل گیری تمدن نوین اسلامی این آیه را قرائت کردند: «إِنْ مَكَتْهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ» اگر در زمین مکنت و قدرت گرفتید نماز را اقامه کنید. ما این نماز را در کجای تمدن نوین اسلامی تعریف می کنیم؟ اصلاً تعریف نمی کنیم. کار تشکیلاتی که انجام می دهیم، در بسیج، هیأت، جامعه ی اسلامی و انجمن اسلامی، شما می بینید از ابتدا تا انتها یک جا بحث نمی شود که نماز جایگاهش کجاست؟ غیبت کجاست؟ دروغ کجاست؟

یک تکرار عمدی

حال شما در سؤالاتی که مقام معظم رهبری در رابطه با سبک زندگی اسلامی بیان فرمودند می بینید که اکثراً مرتبط با مسائل اخلاقی است. اما در حدود ۱۵ سؤالی که ایشان می پرسند تنها یک مورد است که ایشان تکراری بیان می فرمایند، به عمد. آن هم در رابطه با دروغ گویی است. مقام معظم رهبری ابتدأ می فرمایند: «ما آیا به یکدیگر راست می گوییم؟» و بعد می فرمایند: «چرا دروغ زیاد است؟» این تکرار خیلی مهم است. بالاخره ایشان یادداشت کردند و از رو می خواندند. یعنی عمدأ تکراری نوشتند.

چگونه فُبح دروغگویی از بین رفته است؟

حالا با اسم های مختلف قبضش هم شکسته شده است. با اسم خالی بندی. خیلی راحت شخص می گوید: خالی نبند. این خالی بندی که شما می گویی یک گناه کبیره است. یعنی ما وقتی کنار هم می نشینیم می شود به یکدیگر بگوییم: آقا اینقدر زنا نکن دیگر؟!!!! شراب نخور!!!! اینها را نمی گوییم، اما دروغ که می شود سریعاً می گوییم خالی نبند. براحتی می بینید گاهی اوقات دروغ گفته می شود در صورتی که دروغ قطعاً بدتر از شراب است.

امام باقر(ع) می فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ لِشَرِّ أَقْفَالٍ وَجَعَلَ مَفَاتِيحَ تِلْكَ الْأَقْفَالِ شَرَابَ وَالْكَذِبُ شَرٌّ مِنَ الشَّرَابِ» خداوند تمام بدی ها و پستی ها را در اتاقی قرار داده و برای آن اتاق، قفلی زد. آن قفل شراب است. و دروغ بدتر از شراب است.

مؤمن و دروغ؟!!!

شخصی می آید نزد پیامبر(ص) و می گوید: آیا مؤمن احتمال دارد بخیل باشد؟ پیامبر(ص) می فرمایند: بله. می گوید: احتمال دارد ترسو باشد؟ می فرمایند: بله. می گوید: آیا احتمال دارد مؤمن دروغ بگوید؟ می فرمایند: نخیر دروغ نمی گوید. (این روایت از حلقوم کثیف یکی از فتنه گران در مناظره اش با رئیس جمهور منتخب مطرح شده بود)

در روایت دیگری شخص می گوید زنا و دزدی احتمال دارد؟ پیامبر(ص) می فرمایند: بله. اما می فرمایند مؤمن هرکاری بکند دروغ نمی گوید.

حالا ما چقدر در رابطه با عمل منافی عفت و دزدی محکمیم؟ می گویند این دو بهتر از این است که انسان دروغ بگوید.

شخصی می آید محضر پیامبر(ص) و می گوید: آقا نصیحت بفرمایید. من خیلی گناه می کنم و نمی توانم ترک کنم ولی حاضرم یک چیزی را که شما بفرمایید را ترک کنم. پیامبرمکرم(ص) می فرمایند: دروغ نگو. می گوید: آقا همین! چشم. با خود می گوید امشب بروم دزدی کنم. از دیوار خانه بالا می رود و با خودش می گوید: اگر الان پیامبر مرا ببیند یا فردا از من سؤال کند که دیشب کجا بودی؟ چه بگویم؟ اگر بگویم دزدی کردم که بر من حد جاری می کند و اگر دروغ بگویم که خوب قول دادم. پس بروم زنا کنم. باز هم همان فکرها را می کند. می گوید پس بروم شراب بخورم و باز هم همان افکار. در نهایت مجبور می شود تمام گناهان را کنار بگذارد.

مثل برف

دروغ گناه کلیدی است. کسی که دروغ گفت مجبور می شود صدها گناه دیگر هم با آن انجام دهد. ده ها دروغ دیگر بگوید تا آن دروغش بر ملا نشود. می گویند دروغ مثل برف است هرچقدر بغلتانیش بزرگتر می شود و وقتی به پایین کوه برسد خودش مثل کوه می شود.

جریان تکان دهنده

گاهی اوقات انسان می بیند در کشور این جریانات اتفاق می افتد. مثلاً دروغی را به شخصیتی مانند امام می بندند. خوب، تمام شد؟ معلوم می شود خود شخص پشیمان شده است. ولی نمی شود، باید یک چیز اضافه تر گفته شود. یعنی وقتی ما گفتیم امام مخالف شعار مرگ بر آمریکا بود، خوب بایستی چه بکنیم؟ خود امام مرگ بر آمریکا گفته است. امام خودشان در نامه ای که برای پذیرش قطعنامه

می نویسد اعلام می کنند که انشاءالله یک روزی شعار مرگ بر آمریکا از کلیساها و ناقوس ها بگوش خواهد رسید. خوب چه بکند؟ مجبور است کم کم امام را تحریف بکند. این از کجا شروع می شود؟ یک وقت فکر نکنید که بعضی از آقایان یک تَر خیلی سنگینی

دارند و پشت این تَر قدم به قدم جلو می آیند. نه اینطور نیست. یک چیزی گفت و حالا مجبور می شود پشتش بایستد. دائماً می بینید که شخصیت امام را عوض می کنند. شخصیت امام چگونه بایستی عوض شود؟ شخصیت امام بایستی بوسیله همین اطرافیان عوض شود و اگر نه، من که نمی توانم شخصیت امام را عوض کنم. من اصلاً امام را ندیده ام. بعد از پیامبر(ص) نیز همین اتفاق افتاد. پیامبر(ص) برای مردم مهم بود. مردم پیامبر(ص) را معصوم می دانستند. بعضی ها که آمدند و زمامدار شدند، نمی توانستند شبیه پیامبر باشند. خودشان را نمی توانستند بالا ببرند. پس بایستی پیامبر(ص) را پایین می آوردند و این کار را انجام دادند. بعد که علی (ع) آمد، مردم قبول نمی کردند. چرا به پیامبر(ص) دروغ می بستند و می گفتند: پیامبر(ص)، نعوذ بالله دروغ گفته است؟ بعضی جاها نمی توانستند شخصیت پیامبر(ص) را پایین بیاورند مثل ساده زیستی ایشان. که به مرور زمان ساده زیستی را هم رعایت نکردند.

راهکار دوری از گناه

ما باید برای خودمان محاسبه و مراقبه داشته باشیم. شب به شب که می شود اگر گناهی انجام داده ایم یادداشت کنیم. تنها راه دوری از گناه همین است. علامه طباطبایی(ره) در جواب آن جوانی که گفته بود اقا چه بکنیم برای ترک گناه؟ ایشان اولین جمله این را فرمودند: محاسبه و مراقبه داشته باشید. چندتا غیبت، تهمت، خصوصاً دروغ؟ خداندکند خصوصاً دروغ برای انسان طبیعی بشود.

تعریف دقیق دروغ

تعریفی که در لغت نامه های مهم نوشته بودند این بود: حرف یا عمل خلاف واقع. یعنی این میز شیشه ایست و شما

می گوئید چوبی است. اما سؤال اینجاست که اگر حقیقتاً من فکر کنم این میز چوبی است و شما از من بپرسید میز چه جنسی دارد و بگویم چوبی است. آیا من دروغ گفته ام؟ من دروغ نگفتم با اینکه خلاف واقع هم گفته ام. شما رفته اید میوه فروشی، می گوئید: آیا این هندوانه قرمز است؟ می گوید: بله، قرمز است. (با شناخت و تجربه ای که دارد این را می گوید) حالا شما به خانه می روید و می بینید هندوانه سفید است. او دروغ نگفته بود اما واقع را هم نگفته بود. پس تعریف دروغ این است: حرف یا عمل خلاف عقیده. من عقیده ام این است که این میز شیشه ایست اما می گویم چوبیست. این دروغ است. حالا اتفاقاً گاهی اوقات درست هم می شود اما باز هم ما دروغ گفته ایم. مثلاً شخص می داند هندوانه سفید است اما به شما می گوید این قرمز است. شما هندوانه را به خانه می برید و اتفاقاً قرمز می باشد اما او دروغ گفته بود. چون خلاف عقیده اش حرف زده است.

شاهد مثال قرآنی

سوره مبارکه منافقون خداوند می فرماید: وقتی منافقان به تو می رسند می گویند: «أَنْتَ لِرَسُولِ اللَّهِ» قطعاً تو فرستاده خداوندی. آخر آیه خداوند می فرماید: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ» قطعاً دروغ می گویند. با توجه به معنای دروغ، منافقان در عین حالی که راست می گویند(یعنی واقع را می گویند و تو پیامبری) در حقیقت دروغ می گویند.(زیرا بر خلاف عقیده شان سخن می گویند)

اشکال مختلف دروغ

دروغ گاهی با گفتن و گاهی با نگفتن است. گاهی با اشاره و گاهی با نوشتن است. مثلاً در جلسه خواستگاری، می گوید: اگر دختر یا پسر شما ایرادی دارد بگوئید. اما ما هیچ نمی گوئیم و این یعنی ایرادی ندارد و ما دروغ گفته ایم. گاهی اوقات بخاطر تعارف دروغ می گوئیم که خیلی هم زیاد است. رفتیم خانه کسی و می گوید: شام درست کنم؟ می گوئیم: خورده ایم. چرا دروغ گفتید؟ تعارف ارزش ندارد. «وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ» تکلف نداشته باشیم چیزی می خواهیم، بگوئیم می خواهیم. اما اگر کسی خجالت می کشد بگوید مثلاً چایی می خواهیم چه کند؟ با

یک چرخاندن کلمه دروغ، راست می شود مثلاً می گوید: چایی میل دارید؟ شما می گوئید: دست شما درد نکند، خوردم.

ازدروغ فرار کنیم

ما عادت کردیم آن لفظی را بکار ببریم که دروغ است آقا من ۳ ساعت اینجا ایستادم. خوب بگو خیلی اینجا ایستادم. گاهی اوقات دروغ بخاطر خلاص شدن است؛ خصوصاً از دست بچه و زنش. در مجلس نشسته است و بچه دائماً می گوید: فلان چیز را می خواهم. آدم می گوید: بابا، عزیزم، بریم بیرون می گیرم. خوب واقعاً برایش می گیری؟ می گوید: نه. این دروغ است. این دروغ است که اگر قصد خرید نداریم، بگوئیم می خرم حتی اگر تهیه کنید.

عبد الله بن عامر می گوید زمانی که من بچه بودم پیامبر(ص) آمدند خانمان و من دائماً جلوی ایشان می دویدم. مادرم صدایم زد و گفت: عبدالله بیا اینجا خرما به تو بدهم. پیامبر(ص) فرمودند: می خواهی به او خرما بدهی؟ گفت: نه آقا همیتطوری به او گفتم. پیامبر(ص) فرمود خوب دروغ گفتی. گاهی اوقات بخاطر حسادت از موقعیت دیگران انسان دروغ می گوید و گاهی اوقات بخاطر تفریح است. روایت از پیامبر(ص) است که: «وَيْلٌ لِلَّذِي يُحَدِّثُ وَيُكْذِبُ لِيَضْحَكَ بِهِ الْقَوْمُ، وَيَلُ لَّهُ وَيَلُ لَّهُ» وای بر کسانی که بخاطر خنداندن دیگران دروغ بگویند وای بر آنها، وای بر آنها. دروغ گاهی با نوشتن است. گاهی اوقات با عمل است. میوه می خواهید بخريد مثلاً هلو؛ بالای سبد یک جور چیده شده. خوب وقتی بالای سبد اینطور چیده شده یعنی تا پایین سبد همینطور است. اگر اینطور نباشد دورغ است و تدلیس در معامله است. کاسبی بود به شاگردش گفت تو را استخدام می کنم به یک شرط. اگر روزی دروغ گفتم تو بیا جلوی مشتری آب دهانت را روی صورتم بیانداز. اگر این کار را کردی نکردی اخراجت می کنم و اگر این کار را کردی نصف مغازه را به تو می دهم. کاسب یعنی این؛ که دیگر جرات نکند دروغ بگوید.